

مروری بر ادبیات نظری تجربی در خصوص تأثیر شرایط اقتصاد کلان بر ریسک حسابرسی

چشم انداز حسابداری و مدیریت (دوره سوم)
شماره ۳۷/ زمستان ۱۳۹۹ (جلد پنجم) صص ۱۲-۱۸

دکتر رویا دارابی

دانشیار گروه حسابداری، واحد تهران جنوب، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.
royadarabi110@yahoo.com

فرخ علیزاده پیرعلی

دانشجوی دکتری حسابداری، واحد تهران جنوب، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. (نویسنده مسئول).
farokh_alizadeh@yahoo.com

محمد دبستانی رحمت آباد

دانشجوی دکتری حسابداری، واحد تهران جنوب، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.
X.dabestani@gmail.com

چکیده

هدف پژوهش حاضر مروری بر ادبیات نظری و تجربی در خصوص تأثیر شرایط اقتصاد کلان بر ریسک حسابرسی است. از آنجایی که در سال‌های اخیر اقتصاد ایران با ناپایداری‌های بسیاری مواجه بوده است پرداختن به موضوع پژوهش حاضر در شناسایی و درک لزوم طراحی فرایند حسابرسی متناسب با شرایط اقتصاد کلان حاکم بر محیط عملیاتی شرکت می‌تواند مورد اهمیت واقع شود. استدلال می‌شود که شرایط نامطلوب اقتصاد با تأثیر مستقیم بر محیط عملیاتی شرکت می‌تواند انگیزه‌های تحریف و تقلب در صورت‌های مالی را افزایش دهد. در نتیجه حساب‌برسان می‌بایست با در نظر گرفتن شرایط اقتصاد کلان فرآیندهای حسابرسی را از نظر روش و ماهیت آزمون‌های محتوا متناسب با شرایط خاص اقتصادی تدوین یا باز طراحی نماید. **کلید واژگان:** اقتصاد کلان، حساب‌برس مستقل، ریسک حسابرسی.

مقدمه

استانداردهای حسابرسی مانند استاندارد حسابرسی بین‌المللی شماره ۳۱۵ بیان می‌کند که حساب‌برسان به منظور دستیابی به درک بهتری از محیط عملیاتی واحد تجاری مشتری می‌بایست توانایی ارزیابی رخدادهای، شرایط و قوانین حاکم بر محیط فعالیت واحد تجاری را داشته باشد (عبدالله و السعید، ۲۰۲۰). واحدهای تجاری که تحت شرایط وخیم اقتصادی فعالیت می‌کنند که ممکن است در حفظ سطح سودآوری و جریان‌های نقدی خود با مشکلات زیادی روبه‌رو شوند (کورنت، مکنات، استرهان و تهرانیان، ۲۰۱۱). به بیانی دیگر، برخی مطالعات حاکی از آن است که شرایط اقتصاد کلان بر عملکرد عملیاتی شرکت تأثیرگذار است. به‌عنوان مثال، هنگامی که شرایط اقتصادی به‌طور کلی نامطلوب است، برخی شرکت‌ها در میزان درآمدهای فروش خود با افت فاحشی روبه‌رو می‌شوند چراکه تورم هزینه‌های سبد خانوار را افزایش می‌دهد و در نتیجه برخی اقلام از سبد مشتری حذف و شرکت با کاهش فروش روبه‌رو می‌شود (عبدالله و السعید، ۲۰۲۰).

از سوی دیگر، شرایط اقتصاد کلان تأمین مالی شرکت‌ها را نیز تحت تأثیر قرار می‌دهد. در شرایط بد اقتصادی تأمین مالی و دسترسی به قراردادهای بدهی با دشواری روبه‌رو می‌شود. عدم توانایی واحد تجاری در دسترسی به منابع مالی در نهایت منجر به کاهش میزان سرمایه‌گذاری و کاهش عملکرد شرکت می‌گردد (کورت، مکنت، استرهان و تهرانیان، ۲۰۱۱). در شرایط بحرانی اقتصاد ادامه فعالیت واحد تجاری نیز می‌تواند با ابهام مواجه گردد. به بیانی دیگر، شرایط بد اقتصادی می‌تواند فرض تداوم فعالیت شرکت را با تردید روبه‌رو سازد (مازروولک، ۲۰۱۶). به‌نوبه خود، تأثیر شرایط اقتصاد کلان نامناسب بر واحد تجاری می‌تواند به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم، همه طرف‌های درگیر در حسابرسی و تهیه صورت‌های مالی سالانه را با چالش روبرو کند (باگلی و دورمینای، ۲۰۱۷). تأثیر شرایط بد اقتصاد کلان بر ریسک حسابرسی موجب ایجاد نگرانی‌هایی در نهادهای بین‌المللی گردیده است. به‌نحوی که هیئت نظارت بر حسابداری شرکت‌های سهامی عام نسبت به افزایش ریسک حسابرسی در دوره بحرانی‌های مالی هشدار داده‌اند. در دستورالعمل‌های حسابداری نیز معمولاً توصیه می‌شود که در مرحله‌ی برنامه‌ریزی حسابرسی تأثیر شرایط اقتصادی نامطلوب بر فعالیت عملیاتی و گزارش حسابرسی صورت‌های مالی سنجیده شود (عبدالله و السعید، ۲۰۲۰).

بر اساس استانداردها و رهنمودهای حسابرسی، هرگاه حسابرس به این نتیجه برسد که ریسک با اهمیتی در صورت‌های مالی وجود دارد که موجب تحریف صورت‌های مالی می‌شود می‌بایست ریسک مربوطه را در مراحل حسابرسی در نظر گرفته و منابع حسابرسی را متناسب با ریسک مربوطه افزایش دهد. هرچه ریسک حسابرسی بیشتر باشد حسابرس می‌بایست دامنه روش‌های حسابرسی را گسترش، آزمون‌های انتهای سال را افزایش و یا به‌طور کلی ماهیت روش‌های حسابرسی تغییر دهد تا شواهد متقاعدکننده‌تری به دست آورد (عبدالله و السعید، ۲۰۲۰). در همین راستا، برخی پژوهش‌های پیشین بیان می‌کنند که می‌بایست تأثیر اقتصاد کلان بر قضاوت حسابرس مورد ارزیابی قرار گیرد (عسکری نژاد امیری، فدایی نژاد و اسدی، ۱۳۹۸). از سوی دیگر، تأثیر ضعف اقتصاد کلان مستقیماً می‌تواند موسسه حسابرسی را درگیر نماید. به‌عنوان مثال مطالعات باگلی و دورمینای (۲۰۱۷) بیان می‌کند که ضعف اقتصادی احتمالاً منجر به افزایش بار مالی بر مؤسسات حسابرسی می‌شود که در نهایت منجر به اخراج کارکنان این مؤسسات می‌شود. افزایش فشار مالی همچنین ممکن است باعث شود شرکت‌های حسابرسی نحوه مدیریت سبد مشتری خود را تغییر دهند. به‌عنوان مثال، مؤسسات حسابرسی ممکن است در شرایط اقتصادی نامطلوب تمایل کمتری به استعفا یا عدم پذیرش پروژه‌های حسابرسی پر ریسک داشته باشند. شودر و هوگان (۲۰۱۳) معتقدند که در شرایط رکود اقتصادی، حسابرسان احتمالاً به دلیل فشارهای مالی، به‌اجبار به سمت شرکت‌های پر ریسک سوق پیدا می‌کنند. در همین راستا، جان استون (۲۰۰۰) بیان می‌کند که اگرچه شرکای حسابرسی در شرایط عادی می‌بایست مشتریان را بر اساس میزان ریسک طبقه‌بندی نمایند ولیکن در شرایط نامطلوب اقتصادی، این طبقه‌بندی احتمالاً بر اساس سودآوری مشتری برای موسسه حسابرسی انجام می‌شود. در ادامه مقاله ابتدا مبانی نظری و پیشینه پژوهش‌های مرتبط با موضوع پژوهش عنوان می‌شود و سپس به بحث و نتیجه‌گیری پرداخته می‌شود.

مبانی نظری ریسک حسابرسی

یکی از مشکلات حسابرسان در سال‌های اخیر افزایش شکایات علیه آن‌ها است. اگرچه در خصوص میزان شکایت علیه حسابرسان در ایران اطلاعات دقیقی در دسترس نیست ولیکن، شواهد نشان می‌دهد که این آمار در حال افزایش است. شکایت

بر علیه حسابرسان می‌تواند به خسارت‌های مالی، خدشه‌دار شدن اعتبار، افزایش حق بیمه مسئولیت حتی ورشکستگی منجر گردد این پیامدهای ناگوار، مسئله ریسک دادخواهی حسابرسان را تبدیل به یکی از اساسی‌ترین دغدغه‌های جامعه حسابرسی نموده است به‌گونه‌ای که حسابرسان همواره تلاش می‌کنند تا به‌طور مداوم ریسک دادخواهی خورد را ارزیابی نمایند (قدیم پور، دستگیر و ایزدی نیا، ۱۳۹۵). پژوهش‌های پیشین نشان می‌دهد که ریسک وابسته به ماهیت قانونی سازمان نقش مهمی در کیفیت حسابرسی از بعد رفتار گزارش دهی و قیمت‌گذاری دارد (وانگ و فیرث، ۲۰۱۸).

عموماً حسابرسان پیش از شروع فرآیند حسابرسی و پیش از عقد قرارداد با مشتری، ریسک‌های مرتبط با حسابرسی صورت‌های مالی شرکت‌های مشتری را شامل ریسک‌های کسب‌وکار، ریسک حسابرسی و ریسک مسئولیت‌های قانونی را ارزیابی می‌کنند (لاکس و نیومن، ۲۰۱۰). ارزیابی ریسک‌های مرتبط با حسابرسی در طی انجام فرآیند حسابرسی نیز ادامه می‌یابد. به‌طور کلی حسابرس می‌بایست با توجه به سطح ریسک، حسابرسی صورت‌های مالی مشتری را بپذیرد و یا در خصوص تداوم فرایند حسابرسی تصمیم‌گیری نماید (جانستون، ۲۰۰۰). هدف از ارزیابی ریسک حسابرسی در پذیرش و ادامه فرآیند حسابرسی، معمولاً ارزیابی ریسک مسئولیت‌های قانونی حسابرسان می‌باشد (دی فوند، لیم و ژانگ، ۲۰۱۶).

تأثیر اقتصاد کلان بر ریسک حسابرسی

مطالعات قبلی نشان می‌دهد که حسابرسان معمولاً با افزایش سطح ریسک مشتری از پذیرش کار خودداری یا از ادامه‌ی آن انصراف می‌دهند (دی فوند، لیم و ژانگ، ۲۰۱۶). به‌عنوان مثالاً جان استون و بدراد (۲۰۰۳) بیان می‌کنند که در صورتی که ریسک مسئولیت‌های قانونی حسابرسان زیاد باشد، حسابرس از پذیرش کار خودداری می‌کند. از آنجایی که فضای اقتصادی حاکم بر محیط کسب‌وکار شرکت تأثیرگذار است، حسابرسان عموماً به‌منظور دستیابی به درک مناسبی از وضعیت عملیاتی شرکت، تأثیر اقتصاد کلان بر ریسک شرکت را ارزیابی می‌کنند (براوستر، ۲۰۱۱). برخی پژوهش‌های پیشین نشان می‌دهند که شرایط نامطلوب اقتصادی احتمالاً تأثیر معناداری بر ارزیابی حسابرس از ریسک حسابرسی در طی مرحله‌ی برنامه‌ریزی حسابرسی خواهد داشت.

مطالعات پیشین نشان می‌دهند زمانی که تمرکز حسابرس بر مجموع داده‌های مالی و غیرمالی باشد حسابرس می‌تواند درک صحیح‌تری از میزان مانده حساب‌ها و نسبت‌های مشتری حاصل کند. به بیانی دیگر، تمرکز صرف بر داده‌های مالی ممکن است حسابرسان را در ارزیابی‌های حسابرسی گمراه نماید (کوهن و رایت، ۲۰۰۰). در واقع حسابرسان می‌توانند با ارزیابی داده‌های غیرمالی و مالی نوسانات غیرعادی در اقلام صورت‌های مالی را تشخیص دهند؛ بنابراین می‌توان گفت استفاده از داده‌های غیرمالی ابزار مناسبی برای تشخیص تحریف یا تقلب در صورت‌های مالی می‌باشد (عبدالله و السعید، ۲۰۲۰). علاوه بر این، برخی مطالعات (نظیر مطالعات بال، پیچر و سالومون، ۲۰۰۵) بیان می‌کنند که شرکت‌های متقلب معمولاً در دست‌کاری داده‌های غیرمالی توفیق کمتری دارند و نسبت به سایر شرکت‌ها مغایرت بیشتری بین داده‌های مالی و غیرمالی آن‌ها وجود دارد. به‌عنوان مثال، مطالعات دشو، لارسون و سولان (۲۰۱۱) نشان می‌دهند که در شرکت‌های متقلب معمولاً درصد رشد فروش با میزان رشد معیارهای غیرمالی مربوط به ظرفیت تولید مغایرت‌های جدی دارد. همچنین رشد دارایی‌ها در شرکت‌های متقلب با رشد کارکنان شرکت مغایرت دارد.

تراپتر و رایت (۲۰۱۰) بیان می‌کنند که حسابرسان معمولاً ۲۵ درصد بودجه زمانی خود را به آزمون‌های تحلیلی اختصاص می‌دهند. آزمون‌های تحلیلی مستلزم در نظر گرفتن داده‌ها و اطلاعات مالی و غیرمالی است. اطلاعات مالی معمولاً به‌طور

مستقیم از صورت‌های مالی شرکت مشتری به دست می‌آید. به‌عنوان نمونه‌ای از اطلاعات مالی می‌توان به درآمد فروش خالص، بهای تمام‌شده کالای فروش رفته، نسبت‌های مالی و ... اشاره نمود. در حالی که اطلاعات غیرمالی مستقیماً در صورت‌های مالی افشا نمی‌شوند بلکه ممکن است در جایی دیگر از صورت‌های مالی منتشر گردد و یا به‌طور مستقیم توسط منابع مستقل تهیه شوند. نمونه‌ی اطلاعات غیرمالی شامل، تعداد شعب، فروشگاه‌های خرده‌فروشی، انبارها و شرایط عمومی اقتصاد است (برازل، جونس و پراویت، ۲۰۱۴).

پرات و استیس (۱۹۹۹) دریافته‌اند که به نظر می‌رسد در زمان کاهش روندهای اقتصادی، حساب‌برسان برای تأیید نظر خود در مورد ارائه منصفانه صورت‌های مالی مشتری، شواهد حسابرسی اضافی را درخواست می‌کنند؛ زیرا حساب‌برسان برای جلوگیری از شکست حسابرسی نیاز به ارزیابی دقیق ریسک حسابرسی دارند؛ بنابراین می‌توان گفت در شرایط نامناسب اقتصادی، حساب‌برسان ممکن است استراتژی‌های مدیریت ریسک خود را برای کاهش ریسک حسابرسی تغییر دهند. همچنین، یافته‌های مطالعات ترامپتر و رایت (۲۰۱۰) نشان می‌دهد که پنجاه درصد از شرکت‌کنندگان در مطالعه میدانی خود اظهار داشتند که معمولاً در هنگام ارزیابی ریسک حسابرسی برای مشارکت حسابرسی، از دانش تغییرات اقتصاد و صنعت استفاده می‌کنند. باگلی و دورمینای (۲۰۱۷) نیز در پژوهش خود نشان می‌دهند که حساب‌برسان معمولاً در شرایط نامطلوب اقتصادی نحوه مدیریت ریسک خود را تغییر می‌دهند و ممکن است در چنین شرایطی ریسک بیشتری را نسبت به شرایط مطلوب اقتصادی متحمل شوند. همچنین باگلی و دورمینای (۲۰۱۷) نیز بیان می‌کنند که در دوره‌های نامطلوب اقتصاد کلان، حساب‌برسان ممکن است نیاز به تغییر ماهیت، میزان و زمان انجام روش‌های حسابرسی داشته باشند تا بتوانند هرگونه تحریف یا تقلب مهم در صورت‌های مالی مشتری حسابرسی را شناسایی کنند.

پیشینه تجربی

عبدالله و السعید (۲۰۲۰) به بررسی تأثیر شرایط اقتصاد کلان بر ریسک حسابرسی پرداختند. نمونه آماری شامل شرکت‌های حاضر در بورس اوراق بهادار مصر می‌باشد. نتایج آنان نشان می‌دهد که حساب‌برسان در شرایط نامطلوب اقتصادی، مشتریان دارای ریسک بالاتر را نسبت به شرایط مطلوب اقتصادی بیشتر پذیرش می‌کنند. به بیانی دیگر، حساب‌برسان در شرایط نامطلوب اقتصاد، دامنه ریسک موسسه حسابرسی را افزایش می‌دهند. وانگ و فیرث (۲۰۱۸) به بررسی رابطه بین اندازه موسسه حساب‌برس و کیفیت حسابرسی تحت سطوح مختلف ریسک دادخواهی حسابرسی را مورد بررسی قرار دادند. به‌منظور اندازه‌گیری کیفیت حسابرسی از معیارهای حق‌الزحمه حسابرسی و نوع اظهارنظر حسابرسی استفاده شده است. همچنین لگاریتم دارایی‌ها مشتری نیز، معیار اندازه موسسه حسابرسی است. نتایج آنان نشان می‌دهد در صورتی که ریسک دادخواهی حساب‌برس محدود باشد، مؤسسات حسابرسی بزرگ‌تر، کیفیت حسابرسی بالاتری نسبت به سایر مؤسسات دارند ولیکن در صورتی که ریسک دادخواهی حساب‌برس در سطح بالایی باشد رابطه مثبت بین اندازه موسسه حسابرسی و کیفیت حسابرسی از بین می‌رود.

مالم و نیلش (۲۰۱۸) تأثیر ریسک دادخواهی بر سرمایه در گردش را مورد بررسی قرار دادند. یافته‌های آنان نشان می‌دهد که افزایش ریسک دادخواهی منجر به افزایش دوره دریافت مطالبات و همچنین افزایش دوره گردش موجودی می‌شود. علاوه بر این سایر یافته‌ها حاکی از آن است که بین دوره پرداخت مطالبات و ریسک دادخواهی رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. به بیانی دیگر، افزایش ریسک دادخواهی منجر به تأخیر در پرداخت مطالبات می‌شود. لی و چن (۲۰۱۸) رابطه بین حق‌الزحمه حسابرسی و تحریف‌های بااهمیت در صورت‌های مالی با توجه به نقش تعدیلی اعتبار حساب‌برس بر این رابطه در شرکت‌های

چینی را مورد بررسی قرار دادند. ویژگی اساسی کشور چین که در این مطالعه مورد توجه قرار گرفته است مسئولیت قانونی ضعیف حسابرسان است. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که حق الزحمه حسابرسی رابطه منفی و معناداری با احتمال تحریف در صورت‌های مالی را دارد. همچنین این رابطه برای کشورهایی که محیط قانونی قوی‌تری دارند (مانند آمریکا) تشدید می‌گردد. همچنین سایر یافته‌های پژوهش بیانگر آن است که هرچه اعتبار حسابرس کمتر باشد، رابطه منفی حق الزحمه حسابرسی و تحریف در صورت‌های مالی را تضعیف می‌شود.

عسکری نژاد امیری، فدایی نژاد و اسدی (۱۳۹۸) به بررسی تأثیر عوامل اقتصاد کلان و نیز رویدادهای شرکتی بر شاخص‌های ریسک سیستماتیک بررسی شد. در نتیجه مشخص شد که تأثیرگذاری عوامل اقتصاد کلان بر تغییرات بتای پیوسته بیشتر از تأثیرگذاری بر بتای پرشی است. درحالی‌که نرخ تورم تأثیر محسوسی بر تغییرات بتای پرشی و پیوسته ندارد، افزایش نرخ رشد باعث افزایش هر دو نوع بتا شده و افزایش نرخ ارز موجب کاهش هر دو نوع بتا می‌شود. این کاهش در بتای پرشی تقریباً چهار برابر بتای پیوسته است.

قدیم پور و دستگیر (۱۳۹۵) به بررسی موضوع شکایت علیه حسابرسان ایرانی پرداختند. از این رو ابتدا با بررسی ادبیات حسابرسی، یازده عامل به‌عنوان عوامل مؤثر بر ریسک دادخواهی حسابرسان شناسایی شد، سپس تأثیر آن‌ها بر حق الزحمه حسابرسی مستقل برای دوره زمانی ۱۳۸۸ تا ۱۳۹۳ بر اساس داده‌های صد شرکت پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران، بررسی گردید. نتایج بیانگر آن است که در بازار اوراق بهادار تهران از بین یازده عامل ذکر شده، فقط سه عامل میزان اثربخشی کنترل داخلی، نسبت استقلال حسابرس و تمرکز مالکیت، بر حق الزحمه حسابرسی تأثیر معناداری دارند. چنین نتیجه‌ای می‌تواند بیانگر این موضوع باشد که در بازار اوراق بهادار تهران، حسابرسان مستقل به مسئله ریسک دادخواهی توجه چندانی نمی‌کنند و حق الزحمه حسابرسی بیشتر بر اساس حجم عملیات رسیدگی تعدیل می‌شود. قدیم پور، دستگیر و ایزدی نیا (۱۳۹۵) عوامل مؤثر بر ریسک دادخواهی حسابرسان شناسایی شده، سپس از بین آن‌ها هشت عامل در قالب ویژگی‌های صاحب‌کار انتخاب گردید و در نهایت ارتباط این عوامل با اظهارنظر تعدیل‌شده حسابرسی بر اساس داده‌های ۱۰۰ شرکت پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران برای دوره زمانی ۱۳۸۸ الی ۱۳۹۳ مورد بررسی قرار دادند. یافته‌های پژوهش آنان نشان می‌دهد که در بین عوامل مذکور، ارتباط معنی‌داری بین چهار عامل اثربخشی سیستم کنترل داخلی، امتیاز افشای اطلاعات، تمرکز مالکیت و نوع صنعت شرکت صاحب‌کار با اظهارنظر تعدیل‌شده حسابرسی وجود دارد و همچنین بین چهار عامل کیفیت اقلام تعهدی، نوسانات بازده سهام، عملکرد سهام و میزان گردش سهام شرکت صاحب‌کار و اظهارنظر تعدیل‌شده حسابرسی رابطه معنی‌داری یافت نشد. بر اساس این نتایج می‌تواند استدلال نمود که حسابرسان هنگام صدور اظهارنظر حرفه‌ای به ریسک دادخواهی را نیز مورد توجه قرار می‌دهند.

خلاصه و نتیجه‌گیری

با توجه به اهمیت نقش حسابرسی در اعتبار دهی به صورت‌های مالی، حسابرسان از جایگاه مهمی در افزایش کیفیت صورت‌های مالی دارند. فرآیند حسابرسی می‌تواند ضمن بهبود کیفیت اقلام صورت‌های مالی به‌ویژه سود، عدم تقارن اطلاعاتی در بازار سرمایه را کاهش و تصمیمات اقتصادی را بهینه می‌نماید. با این حال، شرایط نامطلوب و ناپایدار اقتصادی می‌تواند کل فرآیند حسابرسی را تحت تأثیر قرار دهد. از یک‌سو، شرایط نامطلوب اقتصادی تأثیر مستقیمی بر موسسه حسابرسی دارد. در چنین شرایطی موسسه حسابرسی ممکن است نسبت به تعدیل منابع انسانی اقدام نماید. از سوی دیگر،

شرایط خاص شرکت در وضعیت نامطلوب اقتصادی ممکن است انگیزه تقلب و تحریف در صورت‌های مالی را افزایش دهد و در نتیجه ریسک حسابرسی نیز با احتمالاً تقلب در صورت‌های مالی افزایش پیدا می‌کند. با عنایت به مطالب ارائه‌شده به حساب‌برسان توصیه می‌شود که در شرایط نامطلوب اقتصادی نسبت به برنامه‌ریزی فرآیند حسابرسی و طراحی آزمون‌های محتوای متناسب با سطح ریسک حسابرسی اقدام نمایند چراکه در شرایط اقتصادی نامناسب انگیزه‌های تقلب و تحریف در صورت‌های مالی افزایش پیدا می‌کند. همچنین به پژوهشگران حوزه مالی و اقتصاد توصیه می‌شود که با در نظر گرفتن شاخص‌های کلان اقتصادی به‌عنوان شاخص ارزیابی وضعیت اقتصادی کشور، تأثیر تجربی شرایط اقتصاد کلان بر ریسک حسابرسی را مورد بررسی قرار دهند.

منابع

- ✓ عسکری نژاد امیری، علی، فدایی نژاد، محمد اسماعیل، اسدی، غلامحسین، (۱۳۹۸)، تأثیر عوامل اقتصاد کلان و رویدادهای شرکتی بر شاخص ریسک سیستماتیک بر اساس رویکرد بتای پرشی، دانش سرمایه‌گذاری، دوره ۸، شماره ۲۹، صص ۱۳-۳۰.
- ✓ قدیم پور، جواد، دستگیر، محسن، ایزدی نیا، ناصر، (۱۳۹۵)، بررسی ارتباط بین عوام مؤثر بر ریسک دادخواهی حساب‌برسان و اظهارنظر تعدیل‌شده حسابرسی، دانش حسابرسی، دوره ۱۶، شماره ۶۵، صص ۷۷-۹۶.
- ✓ قدیم پور، جواد، دستگیر، محسن، (۱۳۹۵)، بررسی تأثیر عوامل ریسک دادخواهی حساب‌برسان بر حق‌الزحمه حسابرسی، پژوهش‌های حسابداری مالی، دوره ۸، شماره ۴، صص ۳۷-۵۴.
- ✓ Asare, S.K. and Davidson, R.A. (1995), "Expectation of errors in unaudited book values: the effect of control procedures and financial condition", *Auditing: A Journal of Practice and Theory*, 14(1): 1-28.
- ✓ Awadallah, A.A. and Elsaid, H.M. (2020), "Investigating the impact of macro-economic changes on auditors' assessments of audit risk: a field study", *Journal of Applied Accounting Research*, 21(3): 345-361.
- ✓ Bagley, P.L., Dorminey, J. And Reed, T. (2017), "Managing risk in a poor economy: the association between economic conditions and risk tolerance and its implications for practice", *Current Issues in Auditing*, 11(2): 1-8.
- ✓ Bell, T.B., Peecher, M.E. and Solomon, I. (2005), *The 21st Century Public Company Audit: Conceptual Elements of KPMG's Global Audit Methodology*, KPMG, Montvale, NJ.
- ✓ Brazel, J.F., Jones, K.L. and Prawitt, D.F. (2014), "Auditors' reactions to inconsistencies between financial and nonfinancial measures: the interactive effects of fraud risk assessment and a decision prompt", *Behavioral Research in Accounting*, 26(1): 131-156
- ✓ Brazel, J.F., Jones, K.L. and Zimbelman, M.F. (2009), "Using nonfinancial measures to assess fraud risk", *Journal of Accounting Research*, 47(5): 1135-1166 .
- ✓ Brewster, B.E. (2011), "How a systems perspective improves knowledge acquisition and performance in analytical procedures", *The Accounting Review*, 86(3): 915-943.
- ✓ Cohen, J.R., Krishnamoorthy, G. And Wright, A.M. (2000), "Evidence on the effect of financial and nonfinancial trends on analytical review", *Auditing: A Journal of Practice and Theory*, 19(1): 27-48.

- ✓ Cornett, M.M., mcNutt, J.J., Strahan, P.E. and Tehranian, H. (2011), "Liquidity risk management and credit supply in the financial crisis", *Journal of Financial Economics*, 101(2): 297-312.
- ✓ Dechow, P.M., Ge, W., Larson, C.R. and Sloan, R.G. (2011), "Predicting material accounting misstatements", *Contemporary Accounting Research*, 28(1): 17-82 .
- ✓ Defond, M.L., Lim, C.Y. and Zang, Y. (2016), "Client conservatism and auditor-client contracting", *The Accounting Review*, 91(1): 69-98.
- ✓ Johnstone, K.M. (2000), "Client-acceptance decisions: simultaneous effects of client business risk, audit risk, auditor business risk, and risk adaptation", *Auditing: A Journal of Practice and Theory*, 19(1): 1-25.
- ✓ Johnstone, K.M. and Bedard, J.C. (2003), "Risk management in client acceptance decisions", *The Accounting Review* 78(4): 1003-1025.
- ✓ Laux, V. And Newman, D.P. (2010), "Auditor liability and client acceptance decisions", *The Accounting Review*, 85(1): 261-285.
- ✓ Li. Bin & Chen Ma (2018): Can audit fees inhibit accounting misstatements? Moderating effects of auditor reputation from Chinese experience, *Asia-Pacific Journal of Accounting & Economics*, DOI: 10.1080/16081625.2018.1475243.
- ✓ Malm, James. Nilesh Sah, (2018) "Litigation risk and working capital", *Managerial Finance*, <https://doi.org/10.1108/MF-03-2018-0129>
- ✓ Marzouk, M. (2016), "Risk reporting during a crisis: evidence from the Egyptian capital market", *Journal of Applied Accounting Research*, Vol. 17 (2):13-23.
- ✓ Pratt, J. And Stice, J.D. (1994), "The effects of client characteristics on auditor litigation risk judgments, required audit evidence, and recommended audit fees", *The Accounting Review*, 69(4): 639-656.
- ✓ Schroeder, J. And Hogan, C. (2013), "The impact of PCAOB AS5 and the economic recession on client portfolio characteristics of the big 4 audit firms", *Auditing: A Journal of Practice and Theory*, 32: 95-127.
- ✓ Trompeter, G. And Wright, A. (2010), "The world has changed-have analytical procedure practices?", *Contemporary Accounting Research*, 27(2): 669-700.
- ✓ Wong RMK, Firth MA, Lo AWY(2018). The impact of litigation risk on the association between audit quality and auditor size: Evidence from China. *J Int Financ Manage Account.*;00:1–32. <https://doi.org/10.1111/jifm.12082>